



ÁEIN-E HOKMRANI (Scientific Journal on The Islamic Governance)
Vol.2 / No.3 / Spring & Summer 2024
ISSN: 2980-7880
<https://aeinehokmrani.iict.ac.ir>

The Nature of Resistance Governance in the Holy Quran

Mohsen Haddadi Koohyar

Master's degree, Department of Political Science, Baqir al-olum University, Qom, I.R.Iran
(Corresponding Author)
Email: hddadi1371@gmail.com

Najaf lakzaee

Professor, Department of Political Science, Baqir al-Olum University; Qom, Qom, I.R. Iran.
Email: nlakzaee@gmail.com

Mahdi Gharehdaghi

PhD. Student in Area Studies, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University,
Tehran, I.R.Iran
Email: mahdigarehdaghi@gmail.com



Citation

Haddadi, M., lakzaee, N. and Gharehdaghi, M. (2024). The Nature of Resistance Governance in the Holy Quran. *Aeine Hokmrani*, 2(3), 5-37
 (DOI) 10.22034/ah.2025.720152

Type of Article: Reserch Article

Received: 2024 May 30

Revised: 2024 October 06

Accepted: 2024 December 20

Published Online: 2025 January 24

Abstract

Today, having a governance system is considered one of the reasons for the progress of countries. From the very beginning of the movement until now, the governance of resistance has been one of the most prominent, fundamental, and efficient types of Islamic governance, the most significant reason for the progress of the Islamic Republic of Iran. Islamic governance and consequently the governance of Islamic resistance cannot be understood apart from the principles and foundations of monotheism, because God in the Holy Quran considers the right to rule, government, and governance to be for Himself, and therefore, it can be said that only God can be the source of Islamic rule and governance. To formulate the governance of resistance, it is necessary to turn to the Holy Quran and understand the values, structures, and various issues of governance from it. In this study, using a descriptive-analytical method and the theory of two fitrah, with the theoretical framework of the structure of movement (origin and destination, mover and motivator, time and place) in transcendent theosophy (al-Hikmat al-muta'aliyah), a comprehensive definition of the governance of Islamic resistance is expressed. Resistance governance is a strategy for advancing resistance against internal harms and external threats by an actor or actors at all levels, aspects, and various sectors, in conjunction with other stakeholders, stakeholders, and components, from origin to destination, and based on drivers in the context of time and space.

Keywords

Governance, Resistance Governance, Islamic Governance, Structure and Pillars of Movement, Holy Quran.





دوفصلنامه علمی پژوهشی در حوزه حکمرانی اسلامی
سال دوم / شماره ۳ / بهار و تابستان ۱۴۰۳
ISSN: 2980-7880
<https://aeinehokmrani.iict.ac.ir>

ماهیت حکمرانی مقاومت در قرآن کریم

محسن حدادی کوهیار

دانشجوی کارشناسی ارشد گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول)

Email: hddadi1371@gmail.com

نجف لکزایی

استاد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، جمهوری اسلامی ایران

Email: nlakzaee@gmail.com

مهدی قره‌داغی

دانشجوی دکتری مطالعات منطقه، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری اسلامی ایران

Email: mahdigarehdaghi@gmail.com



استناد به این مقاله:
حدادی، محسن، لکزایی، نجف و قره‌داغی، مهدی. (۱۴۰۳). ماهیت حکمرانی مقاومت در قرآن کریم. نشریه آیین حکمرانی، ۲(۳)، ۵-۳۷
doi (DOI) 10.22034/ah.2025.720152

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۷/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

امروزه داشتن نظام حکمرانی، از سبب‌های پیشرفت کشورها شمرده می‌شود. از همان ابتدای آغاز نهضت تاکنون، حکمرانی مقاومت یکی از برجسته‌ترین، بنیادی‌ترین و کارآمدترین انواع حکمرانی اسلامی، شاخص‌ترین سبب پیشرفت جمهوری اسلامی ایران بوده است. حکمرانی اسلامی و به تبع آن حکمرانی مقاومت اسلامی، جدای از مبادی و مبانی توحیدی قابل درک نیست؛ چراکه خداوند بلندمرتبه در قرآن کریم، حق حکم، حکومت و حکمرانی را برای خود می‌داند و از این رو می‌توان گفت تنها حق و حقیقت، می‌تواند سرچشمه حکم و حکمرانی اسلامی باشد. برای تدوین حکمرانی مقاومت، لازم است به قرآن کریم روی بیاوریم و ارزش‌ها، ساختارها و مسائل گوناگون حکمرانی را از آن برداشت کنیم. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از نظریه دو فطرت، با چهارچوب نظری سازه حرکت (مبدأ و مقصد، متحرک و محرک و زمان و مکان) در حکمت متعالیه، تعریفی جامع از حکمرانی مقاومت اسلامی بیان می‌شود. حکمرانی مقاومت عبارت است از: راهبرد پیشبرد امر مقاومت در برابر آسیب‌های درونی و تهدیدهای بیرونی توسط کنش‌گر یا کنش‌گران در تمامی سطوح، جنبه‌ها و بخش‌های گوناگون و در پیوند با دیگر ذی‌نفعان، ذی‌ربطان و اجزا، از مبدأ تا مقصد و بر اساس محرک‌ها در بستر زمان و مکان.

واژگان کلیدی

حکمرانی، حکمرانی مقاومت، حکمرانی اسلامی، سازه و ارکان حرکت، قرآن کریم.

آیین حکمرانی

شماره سوم / بهار و تابستان ۱۴۰۳
سال دوم

۷



ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

© نویسندگان

مقدمه

حاکمیت تمدن غرب و به تبع آن شکل‌گیری دولت مدرن، سیطره‌ای بر تمام نظام‌های زندگی انسان‌ها ایجاد کرده است. پس از چند قرن زندگی تحت این نظام، ملت‌ها به این نتیجه رسیدند که نیازمند ساختار دیگری برای پی‌گیری مدیریت حوزه سیاسی و اقتصادی هستند؛ از این رو به ادبیات دیگری به نام حکمرانی روی آوردند که در غرب از فضای شرکتی، اقتصادی و بازار آغاز شد و فضای سیاسی را در بر گرفت. به بیان دیگر، این ناکارآمدی فراگیر در فضای نظام‌های سیاسی‌ای که بر اساس خرده‌نظام‌های دولت مدرن اداره می‌شدند سبب شد دانشمندان علوم سیاسی اجتماعی و همین‌طور اقتصاددانان، در اندیشه کم‌کردن این اختیارها و مشارکت دادن دیگر ذی‌ربطان و ذی‌نفعان در راهبری جامعه بودند. به همین دلیل، امروزه داشتن نظام حکمرانی، از سبب‌های پیشرفت کشورها شمرده می‌شود. از همان ابتدای شروع نهضت تاکنون، شاخص‌ترین سبب پیشرفت جمهوری اسلامی ایران - که در گام دوم انقلاب اسلامی هستیم - مقاومت و حکمرانی همسان با آن بوده است. مقاومت در اندیشه سیاسی اسلامی، سببی نجات‌بخش و هدفی راهبردی شمرده می‌شود که خاستگاه آن، اعتقادات و باورهای دینی مردم مسلمان است. حضور این عنصر در حیات سیاسی و اجتماعی مسلمانان، نقش برجسته‌ای در به وجود آوردن هویت دینی، فرهنگی و بومی مسلمانان داشته و در هر دوره‌ای که از آن غفلت شده، بیچارگی و ذلت را به دنبال داشته است (ناظمی‌اردکانی و خالدیان، ۱۳۹۷).

در ادبیات حکمرانی در غرب، به ویژه در چهارچوب نظریه «حکمرانی خوب» (Good Governance)، سه مدل هرم، بازار و شبکه مطرح شده است. اگر ابعاد اقتصادی این سه الگو کنار گذاشته شود، می‌توان گفت در حکمرانی اسلامی الگویی یافت می‌شود که ویژگی‌های جامع هر سه مدل را دربر دارد. حکمرانی اسلامی، انباشتی از ارزش‌های اسلامی است که اصول آن از قرآن گرفته می‌شود. حکمرانی اسلامی و به تبع آن حکمرانی مقاومت اسلامی، جدای از مبادی و مبانی توحیدی قابل درک نیست؛ چراکه خداوند بلندمرتبه در قرآن کریم، حق حکم، حکومت و حکمرانی را برای خود می‌داند و از این رو

ماهیت حکمرانی مقاومت در قرآن کریم

می توان گفت تنها حق و حقیقت، می تواند سرچشمه حکم و حکمرانی اسلامی باشد. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

حکمرانی ما چه در حوزه های گوناگون حکمرانی و چه در فضای ارزشی حکمرانی، باید بر پایه کتاب الله باشد؛ از این رو برای تدوین حکمرانی مقاومت، لازم است به قرآن کریم روی بیاوریم و ارزش ها، ساختارها و مسائل گوناگون حکمرانی را از آن برداشت کنیم.^۱

در این باره پژوهشگران تلاش های ارزشمندی داشته اند پیرامون مفهوم تبعیت در قرآن (ایزدبخش و جوادی، ۱۳۹۹) و دیگری پیرامون مفهوم اطاعت در قرآن (امامی و جوادی، ۱۴۰۰) اما با توجه به ضرورت بیان تعریفی روشن از حکمرانی در مکتب اسلام و بیان تمایز آن از دیگر گونه های حکمرانی عرفی - تجربی (شبکه، بازار و هرم)، این پژوهش با رویکردی نوآورانه، می کوشد تعریفی از حکمرانی اسلامی و همچنین حکمرانی مضاف مقاومت ارائه دهد.

۱. ماهیت حکمرانی عرفی - تجربی

حکمرانی عرفی - تجربی در مکتب های غیراسلامی گستردگی بسیاری دارد. در این نوع حکمرانی، ارکان با توجه به مبدأ و مقصد، عرفی و تجربی تعیین می شوند و فرایندی را پی ریزی می کنند که از وضع موجود به وضع مطلوب، فراخور با آن نظام سیاسی حرکت کنند. از رهگذر این مبدأ و مقصد، به ایده، سیستم و اجرا می رسند و چرخه حکمرانی خود را بنا می کنند که البته باید گفت سطحی ترین و ظاهری ترین لایه حکمرانی، گونه عرفی و مادی آن است. در ادبیات گسترده بین المللی با تعریف های گوناگونی از حکمرانی روبه رو هستیم که بر اساس آن، شاخص های اصلی حکمرانی را با عنوان حکمرانی خوب (Good Governance) در جهان امروز مشخص کرده اند. بانک جهانی برای اولین بار در سال ۱۹۹۲م تعریفی از حکمرانی خوب بیان کرد. شاخص های حکمرانی خوب از نگاه بانک جهانی عبارت بود از: مدیریت دولتی کارآمد، شامل بودجه بندی، حسابرسی، ارائه گزارش و رفع

۱. بیانات رهبری در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث ۱۳۹۹/۱۲/۲۱. آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47510>

نارسایی‌ها، پاسخ‌گویی، چهارچوب قانونی برای توسعه، اطلاعات و شفافیت، که اطلاعات درباره اثربخشی فعالیت‌ها و شفافیت هم برای جلوگیری از فساد است.

پس از آن، در ۱۹۹۳م با تعریف دیگری از سوی حمایت توسعه رسمی (ODA) روبه‌رو هستیم که حکمرانی خوب را به مشروعیت دولت، به معنی وجود فرایندهای مشارکتی و رضایت‌مندی افراد، پاسخ‌گویی، شایستگی دولت و احترام به حقوق بشر و رعایت قانون دانسته‌اند. فریدمن در ۱۹۹۸م حکمرانی خوب را با این شاخص‌ها تعریف کرد: حساب‌دهی عمومی، پاسخ‌گویی، مدیریت مسالمت‌آمیز بحران، رهبری سیاسی خلاق و هوشمند، مشمولیت و عدالت (Friedman, 1998). بانک جهانی در سال ۲۰۰۰م تعریف پیشین خود (۱۹۹۲) را به‌روزرسانی کرد. شاخص‌هایی که در تعریف جدید برای حکمرانی خوب ارائه شد عبارت بود از: مشارکت، شفافیت، پاسخ‌گویی، حساسیت به نیاز فقرا، مدیریت قوی و ثمربخشی هزینه. در همان سال ۲۰۰۰م تعریف دیگری در مجامع بین‌المللی ارائه شد که برای حکمرانی خوب، مؤلفه‌هایی از قبیل مشارکت، عدالت، شفافیت، حساب‌دهی، حکومت قانون، پاسخ‌گویی، اجماع‌گرایی، ثمربخشی و کارایی و چشم انداز استراتژیک را برشمرده بود. بانک جهانی دوباره در سال ۲۰۰۶م تعریف خود را به‌روز کرده و به این‌گونه بیان کرد: مؤلفه‌های حکمرانی خوب عبارت‌اند از: جامعیت و پاسخ‌گویی تحقق‌یافته در سه بخش مهم انتخابات، پاسخ‌گویی و تعویض حاکمان، کارآمدی نهادها، مقررات، مدیریت منابع، احترام به نهادها، قوانین و تعاملات میان کنش‌گران در جوامع مدنی، تجارت و سیاست. (worldbank, 2006, p 14) برنامه عمران سازمان ملل (UNDP, 2000) هم تعریفی از حکمرانی خوب ارائه کرده که در آن حکمرانی خوب را دربرگیرنده مؤلفه‌های قاعده‌مندی، شفافیت، پاسخ‌گویی، کارآمدی و انصاف، ترویج برابری حقوقی، تضمین اولویت‌مندی سیاسی اجتماعی و اقتصادی بر اساس اجماع جمعی، و نقش اظهارنظرهای فقرا و قشر آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری درباره اختصاص منابع توسعه دانسته است. گریندل (Grindle, 2004, pp.525_548) هم در ۲۰۱۰م حکمرانی خوب را تعریف کرده است. از نگاه او، حکمرانی خوب در بیشتر موارد، بیانگر فهرستی از ویژگی‌های پسندیده است که حکومت باید

ماهیت حکمرانی مقاومت در قرآن کریم

داشته باشد. حکمرانی خوب، بیانگر نگرانی‌های هنجاری درباره امور است که دولت باید انجام دهد؛ از جمله کاهش فقر، حفظ ثبات سیاسی یا عرضه خدمات پایه‌ای.

۲. ماهیت حکمرانی اسلامی

پیشینه حکمرانی را باید از ابتدای آفرینش حضرت آدم علیه السلام و هبوط اولین بشر بر کره خاکی دانست. همان‌گونه که به آشکارگویی قرآن، همه انبیا و پیامبران برای رسیدن و رساندن توحید آمده‌اند، از حکمرانی آنان می‌توان با تعبیرهایی چون توحیدی، الهی، انبیاء و قرآنی نام‌گذاری کرد؛ بنابراین برای حکمرانی اسلامی چنین پیشینه ریشه‌داری قابل‌برداشت است و این نشانه‌گذاری در حکمرانی از حضرت آدم علیه السلام آغاز شده و در نبرد جریان حق و باطل تاکنون ادامه داشته است. از دیدگاه اسلام، این حکمرانی را می‌توان با تعریف «راهبری مؤمنانه قدرت برای تحقق امر عمومی در تمامی سطوح و بخش‌ها در پیوند با دیگر ذی‌نفعان از راه عمل صالح» شناخت (لکزایی و دیگران، ۱۴۰۳).

برای دستیابی به تعریف حکمرانی اسلامی توجه به این نکته لازم است که مفاهیم سازه‌ای، بدون استفاده از چهارچوب مناسب بیان‌نشده‌اند هستند. مفهوم حکمرانی بر اساس الگوهای کلان و اقتضائات زمانی و مکانی گوناگون، تعریف‌های متفاوتی دارند. جهان‌بینی اسلامی، بایسته است چستی حکمرانی از دیدگاه مبانی اسلامی برای جامعه اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. در این نوشتار، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، چستی حکمرانی در قرآن کریم، با بهره‌گیری از روش سازه‌ای حرکت در حکمت متعالیه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱. بهره‌گیری از روش سازه‌ای حرکت در حکمت متعالیه

به‌طورکلی مفاهیم را از حیث تعریف به دو دسته بسیط و سازه‌ای می‌توان تقسیم کرد. مفاهیم بسیط به مفاهیمی گفته می‌شوند که پیچیدگی و ابهامی ندارند؛ از جمله اسامی ذات؛ برای نمونه مفهوم میز یک مفهوم بسیط است؛ این مفاهیم، در فضای مخاطب نیاز به توضیح

کوتاهی برای مفاهمه دارند، اما مفاهیم سازه‌ای، مفاهیمی هستند که به راحتی مفاهیم بسیط، فهم نمی‌شوند، بلکه از پیچیدگی ویژه‌ای برخوردار هستند. به همین دلیل برای تعریف، به چهارچوب و سازه ویژه‌ای نیازمندند تا بر اساس چهارچوب یکسان، بین هر دو سو، مفاهمه ایجاد شود؛ چراکه عدم مفاهمه واحد، سبب بسیاری برداشت در برخی مسائل علمی خواهد شد و پژوهش بی نتیجه خواهند ماند. مفهوم حکمرانی، مقاومت و حکمرانی مقاومت از دسته مفاهیمی هستند که برای تعریف آن نیازمند سازه‌ای مناسب هستیم؛ از این رو برای تبیین مفاهیمی که افزون بر پیچیدگی‌های ویژه خود، سنخ‌ی فرایندی (Movemental subject) و پویا دارند بهترین سازه مفهومی در میان سازه‌های موجود، سازه «حرکت» در حکمت متعالیه خواهد بود؛ بنابراین نخست بایسته است سازه حرکت و ارکان آن تبیین شود تا پس از آن تبیین مفاهیم حکمرانی، مقاومت و حکمرانی مقاومت فراهم باشد.

۱-۱-۲. ارکان سازه حرکت

توضیح کوتاهی درباره ارکان سازه حرکت ارائه می‌شود. برابر بحث مطرح شده در *بداية الحکمه* (طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰)، هر حرکت، از شش رکن تشکیل شده است که هر کدام از آنها در تبیین جنبه‌ای از مفهوم حکمرانی اهمیت دارد:

الف) مبدأ و مقصد

هر حرکتی، یک مبدأ و یک مقصد دارد و به این اعتبار، تقسیماتی را می‌توان برای حرکت برشمرد؛ یعنی اگر مبدأ در نقطه‌ای و منتهی در نقطه خاصی باشد، این یک حرکت را تشکیل می‌دهد که مختصاتی متمایز از دیگر حرکت‌ها خواهد داشت.

ب) متحرک و محرک

گاه حرکت به اعتبار موضوع تقسیم می‌شود؛ یعنی گاه حرکت در موجودات طبیعی بی‌جان است - مانند حرکت سنگ - گاه در گیاهان است و گاه در انسان و حیوان. به بیان دیگر، متحرک هم یکی از ارکان حرکت شمرده می‌شود که با تغییر در آن، موضوع حرکت متفاوت خواهد بود، اما حرکت به لحاظ فاعل و ایجاد کننده حرکت - که محرک است - به حرکت بالذات و حرکت

ماهیت حکمرانی مقاومت در قرآن کریم

بالعرض تقسیم می‌شود. حرکت بالذات، آن است که محرک در درون متحرک باشد و در حقیقت، آن را به حرکت در آورد؛ مانند کشتی یا هواپیما و یا انسانی که حرکت می‌کند. حرکت بالعرض، آن است که فاعل، متحرک را بالذات حرکت نمی‌دهد بلکه متحرک امر دیگری است که آن را بالذات حرکت می‌دهد و ما حرکت را بالعرض به چیز دیگری نسبت می‌دهیم؛ مانند کسی که در هواپیما نشسته است که می‌گویند حرکت می‌کند. در اینجا نیروی فاعل، هواپیما را حرکت می‌دهد، ولی این حرکت بالعرض به سبب علاقه حال و محل به فرد نسبت داده می‌شود.

ج) زمان و مکان

زمان و مکان حرکت را می‌توان گستره حرکت هم نامید که فراخور با متعلق حکمرانی، گستره کارویژه‌های آن را تعیین خواهد کرد. حرکت را به لحاظ زمان می‌توان تقسیم کرد؛ مانند: حرکت روزانه یا شبانه. یا حرکت در قرن نهم و حرکت در قرن دهم. گاه حرکت به اعتبار مقوله (مسافت) تقسیم می‌شود که در نتیجه آن، گاهی حرکت در این، گاه در وضع، گاه در کم و همچنین در مقوله‌های دیگر هم به همین ترتیب است. باتوجه به چهارچوب مختار، تطبیق مفهوم حکمرانی با این سازه به شکل ذیل قابل بیان است:

۲-۲. حکمرانی

۲-۲-۱. مبدأ و مقصد

مبدأ و مقصد در حرکت به عنوان دو رکن تعیین‌کننده هستند. مبدأ حکمرانی دینی را می‌توان دنیا و مقصد آن را آخرت دانست؛ از این رو انسان در این دنیا تحت حکمرانی دین، باید به اصل حیات طیبه - که به معنای حقیقی آن در آخرت قابل تحقق است - برسد؛ بنابراین می‌توان گفت فرایند حکمرانی در اسلام، فرایندی است بر پایه هدایت که از «أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶) به عنوان مبدأ آغاز شده است و تا توحید و قرب الهی به عنوان مقصد، ادامه دارد.

۲-۲-۲. متحرک‌ها و محرک‌ها

در اصطلاح فلسفی، رکن سوم حرکت در حکمرانی، متحرک‌ها هستند که در برگیرنده

افراد، نهادها و انجمن‌هاست. متحرک‌ها در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی با اصطلاح معادل کنش‌گران یا بازیگران، از یک نگاه دربرگیرنده نهادهای دولتی، غیردولتی، بخش خصوصی و نهادهای مدنی و از نگاهی دیگر دربرگیرنده پنج نهاد اساسی - خانواده، اقتصاد، بهداشت، تعلیم و تربیت و حکومت - می‌شوند. حکمرانی در هر یک از نهادهای پیش‌گفته، اقتضائات خود و به تبع متحرک‌های متناسب را دارد؛ برای نمونه در نهاد تعلیم و تربیت، متحرک‌ها تمام ذی‌نفعان و ذی‌ربطان، چه دولتی و چه غیردولتی هستند. معلم‌ها، معاون‌های پرورشی، مدیران مدارس، مسئولین پهنه تعلیم و تربیت، وزارتخانه آموزش و پرورش، حوزه و روحانیت، کانون‌های پرورشی، اساتید اخلاق، دانشگاه‌های فرهنگیان و تربیت‌دبیری و... که از افراد حقیقی، حقوقی و تشکل‌ها و نهادهای مردمی و حلقه‌های میانی تشکیل می‌شوند و برای تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و اجرای تمامی این کنش‌گران باید به اصطلاح، دور یک میز بنشینند.

رکن چهارم حرکت در حکمرانی، محرک‌ها هستند. محرک‌ها در اصطلاح فلسفی و یا پیشران‌ها در اصطلاح علوم اجتماعی و علم حکمرانی، به دو بخش تقسیم می‌شوند: پیشران‌های معرفتی‌دانشی و پیشران‌های انگیزشی. باتوجه به تعریف مبدأ و مقصد، پیشران‌های معرفتی، پیشران‌های مرکب از علوم دینی و تجربه‌های بشری هستند. دسته دوم، محرک‌های انگیزشی هستند که دستور «یزکیهم» در این باره بیان شده است. در این پهنه هم باید از مبدأ تا مقصد مراقب انگیزه‌ها - انگیزه الهی یا غیرالهی - باشیم. امر دیگری که در کنار دو محرک پیش‌گفته لازم است تا فرایند حکمرانی از مبدأ تا مقصد عینیت پیدا کند، سلوک در راه و فرایند حکمرانی است و اگر محرک‌های سلوکی وجود نداشته باشد پیمودن راه برای افراد جامعه در فرایند حکمرانی، فراهم نخواهد شد.

باتوجه به پیوند محرک‌های معرفتی و انگیزشی، هشت نوع حکمرانی تولید می‌شود که یکی از آنها حکمرانی دینی و هفت گونه دیگر، حکمرانی غیردینی است. حکمرانی دینی و مطلوب، همان حکمرانی عاقلانه عادلانه است. قید عاقلانه به لحاظ نظری، همه جنود عقل را در برمی‌گیرد و به تعبیر قرآن، در برابر قید جاهلانه است، اما قید عادلانه، مقام

ماهیت حکمرانی مقاومت در قرآن کریم

عمل را در برمی گیرد و در پهنه کنش گری، عدالت مطرح می شود. پس کوتاه اینکه در حوزه معرفتی، حکمرانی اسلامی یک حکمرانی عاقلانه و در حوزه انگیزشی، یک حکمرانی عادلانه خواهد بود.

اما هفت گونه دیگر از گونه های حکمرانی غیردینی، با قید جاهلانه ظالمانه همراه خواهند بود که یکی از آنها، تنها منفعت محور است؛ حکمرانی منفعت محور یعنی حکمرانی ای که به دنبال فراهم کردن امیال و لذت های انسان در سطح دنیایی است و درحقیقت، رفاه گراست؛ یعنی به مباحث دینی، اعتقادی، اخلاقی و فقهی بی توجه است و بلکه به دنبال ثروت است؛ چراکه در این نوع حکمرانی، شهوت بر قوه عقل چیره بوده و زمام امور را به دست گرفته است؛ از این رو نسخه گسترده حکمرانی در دنیای کنونی، منفعت گرا است؛ همان که در غرب از آن به حکمرانی خوب یاد می کنند. به تعبیر امام خمینی علیه السلام این سیاست، یک سیاست حیوانی است (موسوی خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۶ و ۲۴۷). گونه دوم این است که به جای قوه عقل، قوه غضبیه حاکم باشد که نتیجه این گونه حکمرانی، زورگویی، ستم گری و نقض حقوق مردم خواهد بود. در حوزه سیاست، امپریالیزم از اینجا به وجود می آید. گونه سوم، حکمرانی بر پایه وهم است؛ حکمرانی بر پایه تزویر، روبه صفت و فریب کار که قوه وهم را به جای قوه عقل نشانده است.

هرکدام از این گونه های حکمرانی در اندیشه غربی نماینده دارد؛ برای مثال ماکیاوولی (Machiavelli)، سیاست روبه صفتی، هابز (Hobbes)، سیاست سبعی، بنتهام (Bentham)، سیاست لذت طلبانه و مارکس (Marx) هم، رویکرد ترکیبی زر (طمع گرایانه)، زور (سلطه گرایانه) و تزویر (فریب کارانه) را بیان می کند. بر اساس همین سه الگوی بیان شده، چهار الگوی ترکیبی هم شکل خواهد گرفت که عبارت اند از: گونه چهارم، حکمرانی منفعت گرایانه سلطه طلبانه؛ یعنی هم به دنبال رفاه، لذت و آسایش و هم به دنبال چیرگی بر دیگران است. گونه پنجم، الگوی حکمرانی منفعت گرایانه تزویر گرایانه است. گونه ششم، الگوی حکمرانی سلطه طلبانه تزویر گرایانه است. گونه هفتم، الگوی حکمرانی منفعت طلبانه سلطه طلبانه تزویر گرایانه است. این گونه حکمرانی، از تمامی گونه های جاهلانه آن، خطرناک تر است؛ یعنی از امپراطوری رسانه ای هم در برای فریب و اغفال مردم استفاده

می‌کند. به نظر می‌رسد در اندیشه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، امریکا از این‌گونه حکمرانی برخوردار است. این که امام می‌فرماید: «امریکا تروریستِ بالذات است» (همو، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۳۹۸)، ناظر به جنبه سبعی وی است و یا اگر می‌فرماید: «امریکا شیطان بزرگ است» (همان، ج ۱۰، ص ۴۸۹)، ناظر به جنبه تزویر آن است و یا اینکه آیت‌الله خامنه‌ای، خوی استکباری و منفعت‌طلبی امریکا را ناشی از حفظ منافع، شهوت و غضب آن می‌دانند.^۱

پس بر اساس پیشران‌های (محرک‌های انگیزشی) حوزه حکمرانی، هشت‌الگوی حکمرانی وجود دارد که تنها یکی از آنها مورد تأیید قرآن، سنت و امامین انقلاب است که آن هم، الگوی حکمرانی اسلامی است. الگوی حکمرانی اسلامی دارای ویژگی‌های اعتقادی، اخلاقی، فقهی، عرفی - تجربی و مردمی است. این چهار لایه، به لحاظ مبدأ و مقصد باید در متحرک‌ها آشکار شود؛ یعنی حکمرانی خانواده باید مباحث اخلاقی خانواده، فقهی خانواده، اعتقادی خانواده و عرفی - تجربی خانواده را دربرگیرد.

۲-۲-۳. زمان و مکان

رکن پنجم و ششم، زمان و مکان است. این دو رکن را در حکمرانی، می‌توان برابر با مسیر و مسافت دانست. همان‌گونه که آیه شریفه «**اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**» (حمد: ۶) بر مسیر حکمرانی و نیز آیه «**فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا**» (شمس: ۸) به مسیر نفس در حکمرانی اشاره دارند و در مسیر «صراط مستقیم»، با فرایند هدایت به «**قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَاها**» (شمس: ۹) ختم می‌شود. زمان و مکان را باید در فرایند بین مبدأ و مقصد در نظر گرفت. زمان و مکان در الگوی حکمرانی متعالی، از دنیا تا آخرت را دربر می‌گیرد؛ درحالی‌که هفت گونه دیگر حکمرانی به آخرت اصالت نمی‌دهند؛ بنابراین در جمع‌بندی مفهوم حکمرانی می‌توان گفت تعریف حکمرانی در چهارچوب سازه‌ای چنین خواهد بود: فرایند هدایت «الف» از «ب» تا «ج» بر اساس محرک‌های «د» از راه کنش‌گر/کنش‌گران «ه» در محیط «و» و در زمان «ز».

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۴/۲/۲۶. آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=2&year=1394>

۳. تفاوت میان حکمرانی تجربی - عرفی و حکمرانی اسلامی

حکمرانی اسلامی و حکمرانی عرفی - تجربی دو رویکرد جداگانه در اداره امور جوامع هستند که نه تنها در فرایند اجرا، بلکه در مبانی و اهداف هم تفاوت‌های بنیادینی دارند. در حکمرانی اسلامی، افزون بر بهره‌گیری از تجربه‌های بشری و عرف در چهارچوب موازین شرعی، هدف نهایی، فراتراز گستره دنیایی است و سعادت آن دنیایی را هم دربرمی‌گیرد. این درحالی است که حکمرانی غیراسلامی، بیشتر بر بهره‌مندی مادی و فراهم کردن منافع دنیوی متمرکز است. در ادبیات رایج جوامع غربی، حکمرانی خوب بیشتر با هشت مؤلفه کلیدی شناخته می‌شود: مسئولیت‌پذیری، اثربخشی و کارایی، برابری و عدالت - که گاهی برابری با عدالت جایگزین می‌شود - وفاق عمومی و انسجام اجتماعی، پاسخ‌گویی، شفافیت، مشارکت و حاکمیت قانون. این نوشتار به دنبال بررسی و درک مفهوم حکمرانی از دیدگاه اسلام است. فرضیه اصلی این است که حکمرانی توحیدی قرآنی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی خوب را به معنای درست - و نه تنها به معنای سکولار آن - ارائه می‌دهد و از این راه می‌توان نظریه‌های رایج حکمرانی خوب را تکمیل و بازبینی کرد.

حکمرانی مطلوب در اسلام، تنها به بهره‌مندی از نعمت‌های دنیوی و عمران مادی بسنده نمی‌شود، بلکه هدف آن، معنایی متعالی به زندگی می‌بخشد. در آیه ۲۴ سوره انفال آمده است: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»؛ یعنی، پیامبر ﷺ شما را به حیاتی نوین و معنادار دعوت می‌کند و شما باید به این دعوت پاسخ دهید. از نگاه قرآن، این زندگی معنادار، حیات طیبه نام دارد.

بررسی پژوهش‌های کنونی نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات انجام‌شده در این حوزه، رویکردی سلبی داشته و به نقد مبانی حکمرانی خوب متداول در غرب پرداخته‌اند و کمتر به بیان دیدگاه ایجابی اسلام در این زمینه توجه کرده‌اند. این نوشتار به دنبال این است که باتکیه بر منابع اسلامی، تعریفی فراتراز یک مفهوم بسیط برای حکمرانی، مقاومت و به تبع آن حکمرانی مقاومت اسلامی ارائه دهد.

۴. مقاومت

۴-۱. مفهوم‌شناسی مقاومت

مفهوم مقاومت از جمله مفاهیم سازه‌ای است؛ از این رو تعریفی که اینجا ارائه می‌شود، بر اساس یک سازه خواهد بود و به شکل یک فرمول بیان می‌شود. در تعریف مقاومت، الف از راه «ب» به «ج» می‌رسد یا در وضعیت «ج» قرار می‌گیرد؛ بنابراین سه عنصر این سازه، یکی «الف»، یکی «ب»، و یکی «ج» است؛ «الف» همان کنش‌گر، عنصر مقاومت‌گر یا مقاومت‌کننده است. «ب» آن تهدیداتی است که می‌خواهد این مقاومت را بشکند - چه آسیب‌های درونی و چه تهدیدات بیرونی -؛ برای نمونه، مباحث اعتقادی، بیان‌گر این است که مقاومت بر توحید، انسان را از تهدید شرک نجات می‌دهد و در مباحث اخلاقی کار را برای خدا انسان از خطر تأثیرپذیری از هواهای نفسانی‌اش نگه می‌دارد. ممکن است تهدید، عنصر بیرونی باشد. یک دولت متخاصم یا یک حزب یا نهاد رقیب و یا فرد باشد که می‌خواهد طرف دیگر را از صحنه خارج کند و واکنش طرف روبه‌رو، مقاومت خواهد بود. «ج» هم آن هدفی است که مقاومت به دنبال تحقق آن است و یا آن وضعیتی است که می‌خواهد در آن قرار گیرد. این مفهوم مقاومت است و ارکان شش‌گانه آن با رویکرد قرآنی توضیح داده خواهد شد.

۴-۲. مبدأ و مقصد

اولین رکن، مبدأ است. خدای متعال می‌فرماید از نظر مبدأ شما باید از توحید آغاز کنید و از شرک فاصله بگیرید. پیام همه انبیای الهی این بوده است که «أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶). بعد از آگاه‌شدن نسبت به مبدأ، انسان‌ها نیازمند بررسی وضع موجود خودشان هستند؛ اگر وضعیت توحیدی در وجودشان حاکم باشد، مانند الگوهای فراوانی که در قرآن کریم به عنوان الگوی موحدین معرفی شده است، عمل خواهند کرد؛ یعنی به محض اینکه اقرار به وحدانیت خداوند بلندمرتبه انجام گرفت، قرآن کریم برای انسان‌ها الگو معرفی می‌کند. خداوند بزرگ در سوره ممتحنه می‌فرماید که حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام اسوه شماس است (ابراهیم: ۴-۶). ایشان چه کار انجام می‌دادند؟ از مشرکان براءت می‌جستند؛ همراهان آن

ماهیت حکمرانی مقاومت در قرآن کریم

حضرت نیز همین کار را انجام می‌دادند؛ از این رو بقیه انسان‌ها هم باید از مشرکان براثت بجویند. در جای دیگر، خداوند بلندمرتبه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را الگوی حسنه معرفی می‌کند. ایشان که الگوی ما است، چه کار می‌کردند؟ محور بحث‌شان توحید بود و می‌فرمودند: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلَحُوا» (بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۲).

بنابراین مبدأ معلوم شد؛ یعنی ما از چه وضعیتی می‌خواهیم حرکت کنیم و به کجا می‌خواهیم برسیم. وضع مطلوب چیست؟ وضع مطلوب این است که تمامی نظام‌های ما توحیدی شود. منظور از این نظام‌ها چیست؟ و در چه سطحی مدنظر است؟ از سطح فرد آغاز می‌شود، سپس به سطح خانواده، پس از آن به سطح جامعه، بعد به سطح دولت اسلامی و سرانجام به سطح امت اسلامی و در سنجه جهانی به سطح تمدن اسلامی می‌رسد. این نظام‌ها چه عرصه‌هایی پیدا می‌کند؟ یعنی اینجا مقاومت توحیدی چه شقوقی پیدا می‌کند. متعلق این مقاومت چیست؟ این متعلق‌ها در بخش عنصر چهارم که عنصر محرک‌ها است، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

عنصر دوم مقصد است. هنگامی که فرایند حکمرانی از یک مبدأ آغاز شد ناچار باید به مقصدی ختم شود. برای جریان پیدا کردن حرکت در فرایند حکمرانی، مقصد و وضع مطلوب را معین کنیم؛ برای نمونه اگر بخواهیم از جامعه جاهلی و مشرکانه حرکت کرده و به جامعه اسلامی و توحیدی برسیم، نیازمند آشنایی با ویژگی‌های و اهداف جامعه جاهلی و همین‌طور آشنایی با ملاک‌ها و شاخص‌های جامعه اسلامی و توحیدی در این راه هستیم. بین مبدأ تا مقصد فرایندی رخ می‌دهد که بیش از دو گونه متصور نیست: یا حرکت در صراط مستقیم و یا حرکت در صراط مغضوبین و ضالین است؛ یعنی یا در راه حق است و یا در راه باطل است؛ از این رو مبدأ توحید و شرک و مقصد سعادت یا شقاوت است. مهم‌ترین عاملی که می‌توان به واسطه آن میان انواع الگوهای حکمرانی تمایز قائل شد، رکن مقصد و هدف آن‌هاست. به بیان دیگر، باید دید فرایند حکمرانی، انسان و جامعه را به چه هدفی رهنمون می‌کند. در ادبیات حکمرانی برون‌دینی، مقصد همین دنیا است و چرخه حکمرانی در این ادبیات، امور مادی را در دستگاه محاسباتی کنش‌گرانش مدنظر قرار خواهد داد. در ادبیات حکمرانی

اسلامی و حکمرانی درون دینی «الدنيا مزرعة الآخرة» (ابن ابی جمهور، ج ۱، ص ۲۶۷) تعیین کننده دستگاه محاسباتی کنش گران و نهادهای ذی ربط خواهد بود و نگاه به دنیا، نگاهی غیراصیل و به عنوان واسطه برای رسیدن به سعادت آن دنیایی خواهد بود.

۴-۳. محرک‌ها و متحرک‌ها

همان‌طور که بیان شد رکن سوم چهارچوب نظری حرکت، متحرک‌ها یا همان کنش گران هستند. کنش گران گوناگون هستند: فرد، خانواده، جامعه، احزاب، نهادها و دولت هستند. اگر همه این کنش گران در مسیر صراط مستقیم حرکت کنند، تعاون برای برّ و تقوی اتفاق می افتد: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مانده: ۲) اما اگر در بین شان جدال باشد، عده ای باتقوا و عده ای بدکار باشند «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس: ۷) اینجا تزاخم، تعارض و نزاع پیش می آید. اینکه در طول تاریخ میان پیامبران الهی با دشمنان خدا جنگ پیش می آمده به همین دلیل است؛ کسی مثل حضرت ابراهیم علیه السلام با طاغوت زمان خودش (نمرود) برخورد می کند.

در این مرحله که با کنش گران روبه رو می شویم باید عنصر چهارم را هم مورد توجه قرار دهیم. در واقع، هر کنش گری در هر سطحی که باشد - چه فرد باشد و چه گروه باشد - تحت تأثیر عنصر چهارم یعنی محرک‌ها است. چه چیزی ما را به حرکت درمی آورد که ما اهل مقاومت یا اهل سازش و تسلیم شویم؛ در برابر دشمن یا در کنار او بایستیم. محرک‌ها و این مسئله که محرک‌ها چگونه این متحرک‌ها را به حرکت درمی آورند، از ارزش ویژه ای برخوردار است. اگر مقاومت کنش گر، بخواهد تقویت یا تضعیف شود، فرقی نمی کند! از این رو باید در محرک‌ها تغییر ایجاد شود. محرک‌ها متغیر مستقل و متحرک متغیر وابسته است. رفتار متحرک، بیش متحرک، گرایش متحرک، کنش متحرک وقتی تغییر می کند که محرک‌هایش تغییر کند؛ بنابراین بحث از محرک‌ها از ارزش ویژه ای برخوردار خواهند شد.

لازمه فهم بهتر چیستی محرک‌ها، بیان گونه‌های محرک‌ها است؛ محرک‌ها دو نوع هستند: یک دسته محرک‌های معرفتی و دسته دیگر محرک‌های انگیزشی. محرک معرفتی یعنی دانشی که کسب می شود و یا علمی است که به صورت حضوری به آن پی برده می شود.

ماهیت حکمرانی مقاومت در قرآن کریم

محرك‌های معرفتی، تأثیر مستقیمی بر کنش افراد دارد؛ برای نمونه، هنگامی که گفته می‌شود غذایی با دارویی برای سلامتی مفید است تنها علم به این مطلب، شخص را به سوی مصرف آن غذا و یا آن دارو می‌کشاند. البته برای اقدام تنها محرك‌های معرفتی کافی نیستند؛ ممکن است گاهی به چیزی علم وجود داشته باشد، ولی به آن عمل نشود. به عنوان مثال، تنها علم به ضرر سیگار، از اعتیاد جلوگیری نمی‌کند.

در مقاومت اسلامی در کنار معرفت‌های پیش‌گفته نیازمند معرفت‌های تجربی، معرفت‌های عقلی - ریاضیات، فلسفه، منطق و... - و همچنین معرفت‌های وحیانی، علوم اسلامی و حتی معرفت‌های شهودی - حوزه معرفت‌های هنری، عرفانی، معماری و... - هستیم؛ بنابراین معرفت معتبر و جامع می‌تواند جامعه را در راه مقاومت به عنوان یک محرك اساسی راهبردی کند.

محرك دوم، محرك انگیزشی است. در وجود انسان چهار قوه نهفته است که با چیرگی هریک بر دیگری، اوصافی از نفس انسان فراخور با قوه برتر بروز می‌کند.

۴-۴. زمان و مکان

در بین ارکان، عنصر پنجم و ششم، مقتضیات زمان و مکان است. در فرایند میان مبدأ و مقصد، شناخت جنبه‌های زمانی و مکانی مقاومت از نگاه قرآن کریم لازم است. در نگاهی کلی و در حکمرانی اسلامی - در همه گونه‌ها و سطوح مقاومت - این ارکان دربرگیرنده فاصله بین دنیا و آخرت و در حکمرانی منطقه‌ای دربرگیرنده سطح منطقه و جهان است که هدف آن از بین بردن نظام سلطه و کفر است؛ از این رو مقاومت در فرهنگ قرآن کریم شش رکن دارد: مبدأ، مقصد، کنش‌گران، محرك‌ها، زمان و مکان. همه این ارکان در مرحله انقلاب، مرحله حفظ و استمرار نظام اسلامی، محقق خواهند شد.

۴-۲. گونه‌شناسی مقاومت

مقاومت محدود به پدیده‌های انسانی و یا حتی پدیده‌های سیاسی و اجتماعی نمی‌شود بلکه با نگاهی کلان‌تر، هر موجودی از حیث وجودی در برابر دشمن که موجودیت او را تهدید

می‌کند از خود مقاومت نشان خواهد داد. تقسیم سطوح گوناگون مقاومت بر اساس سطوح وجودی می‌تواند بر چهار گونه مقاومت در جمادات، در نباتات، حیوانات و انسان‌ها انجام شود. در هریک از این جنس موجودات، قوامی درونی وجود دارد که در برابر دشمن از خود مقاومت نشان می‌دهد. در سه گونه اول، مقاومت از گونه‌گریزی است، اما در انسان مقاومت می‌تواند در سه سطح غریزی، عقلانی و وحیانی باشد. در جنبه جسمانی، بدن انسان همچون نباتات در برابر دشمنانی همچون بیماری‌ها واکنش مقاومتی از درون خود نشان می‌دهد اما در جنبه روحی و نفسانی، با توجه به رشد معنوی انسان، سطح مقاومتش فراخور با آن می‌تواند عقلانی یا وحیانی و دینی باشد که این امر به مرتبه نفسانی انسان بستگی دارد. در هر جامعه به میزانی که مردم آن در مراتب نفس خود رشد کرده باشند به همان میزان توانایی مقاومت در مقابل هژمون را خواهند داشت. به بیان دیگر، مؤلفه قوام‌بخش برای مقاومت در فرد و جامعه، مؤلفه‌های درونی هستند که هرچه این قوام درونی بیشتر باشد توانایی استقامت و ایستادگی در افراد و جامعه بیشتر خواهد بود. با توجه به شرح امام خمینی^{علیه السلام} بر حدیث جنود عقل و جهل و نظریه دو فطرت ایشان، سطوح مقاومت به فراخور مرتبه وجودی انسان و غلبه قوای درونی او، در این سه سطح قرار می‌گیرد؛ یعنی اگر فرد یا جامعه‌ای هریک از سه قوه غضب، شهوت و وهم را بر قوه عقل خود چیره کند، ناچار مقاومتی که از آن جامعه سر خواهد زد مقاومت منفی و در برابر عقل و امتداد سیاسی اجتماعی آن خواهد بود؛ بنابراین با نظریه دو فطرت، به هشت گونه جامعه خواهیم رسید که هشت گونه مقاومت از خود نشان خواهند داد که گونه‌ای از آن مقاومت عاقلانه مؤمنانه در برابر جبهه باطل است که از آن به‌عنوان مقاومت اسلامی و هفت گونه دیگر آن مقاومت در برابر جبهه حق هستند که از آن به‌عنوان مقاومت غیر اسلامی تعبیر می‌کنیم (موسوی خمینی، ۱۳۸۲، ص ۷۶).

۱-۲-۴. مقاومت غریزی

همه پدیده‌های جهان از گونه‌ای هدایت باطنی برخوردار هستند، که آنها را به‌سوی هدف خلقت‌شان - که همان رسیدن به کمال است - رهنمون می‌کند. این‌گونه هدایت، غیراختیاری است و همه موجودات را دربر می‌گیرد؛ تا جایی که نوزاد برای شیر خوردن، زنبور عسل برای

ماهیت حکمرانی مقاومت در قرآن کریم

ساخت کندو و درخت سیب برای تولید میوه، هیچ نیازی به آموزش ندارند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۶۱۵). رشد و تکامل جنین، رشد و نمو دانه‌های گیاهان و حرکت کره‌های گوناگون در منظومه شمسی (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۵۹) و... همگی نمونه‌هایی از این هدایت باطنی‌اند. به این گونه هدایت، هدایت تکوینی گفته می‌شود. خداوند بر اساس هدایت تکوینی، در ذات و سرشت هر موجودی، آثار و ویژگی‌های ذاتی ویژه‌ای قرار داده است که فراخور با ساختار وجودی و هدف آفرینش همان موجود است. این ویژگی‌ها، از موجودات جداشدنی، اکتسابی، تغییرپذیر و زوال‌پذیر نیستند و در بین همه افراد و گونه‌های آن موجود عمومیت دارند. به این گونه ویژگی‌ها در جمادات و گیاهان، طبیعت، در حیوانات، غریزه و در انسان، فطرت می‌گویند.

در نسبت بین غریزه و رویارویی با خطر - که گونه‌ای مقاومت غریزی را پدید می‌آورد - باید به ملازمه حیات مطلق، میل به بقاء و حفظ آن توجه کرد که هر موجودی به حکم وجودش در برابر هر چه که حیات و بقاء آن را تهدید کند از خود مقاومت نشان خواهد داد (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۰۱).

بنابراین اگر غریزه را به‌عنوان ماهیت وجودی در جمادات، نباتات و حیوانات در نظر بگیریم، اصل بروز و ظهور مقاومت در این سه مرتبه وجودی، به‌خاطر اصل وجود حیات، ثابت است، اما در ویژگی‌ها و ابزارها که در رویارویی با غیر، بروز می‌کند تفاوت دارند و هریک به گونه‌ای از خود واکنش دفاعی نشان می‌دهند. گونه مقاومتی که این قسم از موجودات در برابر دشمن از خود بروز می‌دهند به قوام درونی این طیف‌های وجودی وابسته خواهد بود. در جهان‌بینی اسلام، نظام آفرینش به‌گونه‌ای پایه‌ریزی شده است که در برابر هر بی‌نظمی و فساد، از درون خود واکنش غریزی نشان می‌دهد.

۲-۲-۴. مقاومت عقلانی

نفس انسان، دارای چهار قوه است که به فراخور اینکه کدام قوه بر وجود انسان حکومت کند، ویژگی‌های گوناگونی از خود نشان خواهد داد (موسوی خمینی، ۱۳۸۲، ص ۷۷). هر زمان عقل حاکم باشد و اختیار سه قوه دیگر را به‌دست بگیرد این انسان، موجودی عاقل خواهد شد. یکی از بدیهیات عقلی بشر دفع ضرر محتمل است. انسان عاقل به این بدیهی آگاه است و

در صورت بروز خطر، واکنش درخور برای دفاع از خود نشان خواهد داد تا به حیانتش - که آن را نمونه آشکار خیر و حسن (در برابر قبیح) می‌داند - ادامه دهد. از لازمه‌های این حیات، حرکت همیشگی، حفظ هویت و موجودیت خود است؛ از این رو هر چیزی که بازدارنده این حرکت همیشگی و ناقض هویتش باشد را پس خواهد زد و در برابر آن، از خود مقاومت نشان خواهد داد. هر ملتی که جامعه و دولت‌مردانش نمونه آشکار این انسان باشند مقاومت عقلانی یا عقل‌بنیاد ویژگی بارز آنها خواهد بود.

باتوجه به این معنا، مقاومت عقلانی یا به معنای مقاومت با عقلانیت و یا به معنای مقاومت از جنس و خاستگاه عقلانیت خواهد بود. مراد از تعبیر مقاومت عقلانی را هرکدام از دو فرض بگیریم مقاومت برخاسته از عقل انسان خواهد بود بلکه بالاتر از مقاومت عقلانی عین عقل و عقل عین مقاومت خواهد بود. باتوجه به تقسیم عقل به عقل نظری و عقل عملی، می‌توان گفت مقاومت در برابر حماقت در وجود انسان، مقاومت عقل نظری است و مقاومت عقل عملی امساک و کف نفس است در برابر وسوسه‌ها، هواپرستی‌ها و همه بازدارنده‌های حرکت انسان در پهنه فردی و اجتماعی.

۳-۲-۴. مقاومت و حیانی

مقاومت و حیانی به معنی مقاومت برخاسته از وحی، یعنی آن مقاومتی که کتاب‌های آسمانی از راه وحی به آن اشاره کرده‌اند. مراد از وحی و کتاب الهی در این نوشتار، شناخت الهاماتی به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و قرآن است. آیه ۶۰ سوره مبارکه انفال به همین موضوع اشاره دارد. اعداد نیروها برای ترس دشمن با هدف بازدارندگی، همان مقاومت و حیانی است که زاویه‌های دیگر آن را باید در قرآن بررسی کنیم. تفاوت مقاومت و حیانی با دیگر گونه‌های آن، تفاوتی ریشه‌ای است که ایمان به غیب و سنت‌های الهی، توکل، توسل، معادباوری و... از مؤلفه‌های شاخص آن خواهد بود؛ از این رو مقاومت و حیانی در تمامی ادیان توحیدی وجود داشته است. در اسلام، مقاومت و حیانی در کنار دیگر ادله مانند سنت، عقل و تجربه قرار می‌گیرد تا مقاومت اسلامی بازتعریف شود. در ادامه به بررسی مقاومت اسلامی - که خود را پای‌بند به کارگیری همه گونه‌های مقاومت می‌داند - خواهیم پرداخت.

۴-۲-۴. مقاومت اسلامی

از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا کنون، امریکای جنایت‌کار و هم‌پیمانانش - که دشمنان قسم‌خورده ملت‌های آزاده به‌ویژه ملت شریف ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی هستند - از هیچ حرکت دشمنانه‌ای خودداری نکرده است، اما با وجود خواست این مستکبرین، این درخت عظیم، این شجره طیبه و شجره طوبی، روز‌به‌روز نیرومند شده و این بنای پایدار، هر روز استوارتر از گذشته خودش را به دشمن نشان داده است. سبب اصلی این اقتدار، مقاومت است. به بیان دیگر، این حقیقتی که به نام اسلام در دوره‌های معاصر با حرکت بزرگ الهی - که صدسال اخیر وجود خارجی نداشت - سر بلند کرده است، امروز وجود دارد که جلوی نظام سلطه با اقتدار ایستاده است و برای آزادی و عدالت اقدام می‌کند؛ بنابراین هژمون یادشده، از هر فعل و ابزاری در رویارویی با این حرکت الهی بهره‌جسته و سرمایه‌هایش را به کار خواهد برد تا این حرکت بایستد و به عقب رانده شود؛ بنابراین در چنین وضعی باید به آیه «فَلْيَدْلِكْ فَادُغْ وَاسْتَقِم» (شوری: ۱۵) چنگ زد؛ یعنی هم دعوت لازم است و هم استقامت از مجموع این‌گونه رویارویی می‌توان به‌عنوان مقاومت نام برد^۱ در نتیجه، در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان مقاومت اسلامی را ایستادگی در برابر نظام سلطه و استکبار معنا کرد؛ از این‌رو مقاومت از یک نگاه، آن روحیه‌ای است که در برابر هژمون و نظام سلطه، ملت وصف‌شده به آن را به ایستادگی و صبر و می‌دارد. از دیدگاه ایشان، ویژگی بارز امام خمینی علیه السلام همین روحیه مقاومت ایشان بود.

بنابراین معنای مقاومت این است که انسان راهی را انتخاب کند که آن را راه حق و راه درست می‌داند، و در این راه، آغاز به حرکت کند و بازدارنده‌ها نتواند او را از حرکت در این راه بازدارند و او را متوقف کند؛ این معنای مقاومت است که البته در برخی از تعبیرهای ایشان به معنای صبر و استقامت هم گرفته شده است. اینکه انسان بازدارنده‌ها و راه رویارویی با آنها را بشناسد و در راه حق به راهبرد استقامت و صبر تکیه کند و با شیوه‌ای عاقلانه از بازدارنده‌ها

۱. بیانات رهبری در دیدار بسیجیان ۱۳۹۸/۹/۶. آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44267>

رد شود، در واقع از خود مقاومت نشان داده است.

مقاومت در اندیشه امامین انقلاب، همانند روحیه مورد نیاز برای هر حرکتی که دشمنی برای آن انگاشته شده است، می باشد؛ همانند فکر و اندیشه و همانند مسیر و راه حرکت که باید پیمود و به گفته اندیشمند امریکایی نوام چامسکی، دلیل فشارهای امریکا بر ایران، این است که این کشور توانسته به گونه ای موفقیت آمیز در برابر امریکا مقاومت کند^۱ مقاومت در اندیشه آیت الله خامنه ای تبلور یافته مفهوم استقامت در قرآن به عنوان مفهومی جامع است که می تواند معنای عامی در همه مراحل و مراتب داشته باشد. در ادبیات سیاسی ایشان، این دو واژه راهبردی در زمان هایی که بر ساخت درونی مقاومت کننده مراد است به جای یکدیگر به کار رفته اند و زمان هایی که حیثیت رویارویی در آن در نظر گرفته می شود از آن به مقاومت تعبیر شده است.

۵. حکمرانی مقاومت اسلامی

در بین حکمرانی های هشت گانه (از دیدگاه محرک ها) تنها یک حکمرانی، مورد تأیید وحی و اسلام است و آن حکمرانی مقاومت اسلامی است. در بحث از حکمرانی های مضاف، مراد این است که تمامی حلقه های در پیوند با آن موضوع (مضاف الیه) در نظر گرفته شود و سپس درباره آن، طرحی ارائه شود. به بیان دیگر اگر از نقطه مبدأ و شروع فرایند مقاومت تا مقصد و پایان مقاومت - که در قسمت پیش و بر اساس ارکان شش گانه سازه حرکت بیان شد - به همه کنش گران پهنه مقاومت - اعم از نیروهای انسانی، منابع انسانی، نهادهای درگیر - تا سطح دولت و یا فراتر و حتی فروتر از دولت و همچنین محرک های حکمرانی اعم از انگیزشی، بینشی و دورکن زمان و مکان که مقاومت در آن زیست بوم حکمرانی می شود، پرداخته شد. در واقع فرایند حکمرانی مقاومت شکل گرفته است. البته در کنار این گفتارها، راه کنش سه گانه حکمرانی را - که به سه حالت «در مقاومت»، «بر مقاومت» و «با مقاومت» خرد می شود - خواهیم داشت که جنبه های گسترده تری به این بحث می دهد. این راه کنش در

1. <https://farsnews.ir/world/1558515315000945630>.

ماهیت حکمرانی مقاومت در قرآن کریم

هر متعلق حکمرانی مطرح خواهد بود و انتخاب هریک از این سه گانه پیوند معنایی حکمرانی و متعلق آن را مشخص خواهد کرد. در این نوشتار مراد از حکمرانی مقاومت، حکمرانی بر مقاومت است که به راهبری راهبردی مقاومت منتج خواهد شد.

جدول ۱

نوع حکمرانی مقاومت	نوع مقاومت	نوع انسان	قوه یا قوای رئیس در انسان
حکمرانی مقاومتی عاقلانه عادلانه (حکمرانی مقاومت اسلامی)	مقاومت عاقلانه عادلانه (مقاومت اسلامی)	عادل (عفیف شجاع حکیم)	عقل
حکمرانی مقاومتی حیوان صفتانه	مقاومت منفی حیوان صفتانه	حیوان صفت	شهوت
حکمرانی مقاومتی درنده خویانه	مقاومت منفی درنده خویانه	درنده خو	غضب
حکمرانی مقاومتی شیطان صفتانه	مقاومت منفی شیطان صفتانه	شیطان صفت	وهم
حکمرانی مقاومتی درنده خویانه حیوان صفتانه	مقاومت منفی درنده خوی حیوان صفتانه	درنده خوی حیوان صفت	شهوت و غضب
حکمرانی مقاومتی درنده خویانه شیطانی	مقاومت منفی درنده خوی شیطان صفتانه	درنده خوی شیطان صفت	وهم و غضب
حکمرانی مقاومتی حیوان صفتانه شیطانی	مقاومت منفی حیوان صفتانه شیطانی	حیوان صفت شیطانی	شهوت و وهم
حکمرانی مقاومتی شیطان صفتانه درنده خوی حیوانی	مقاومت منفی شیطان صفتانه درنده خوی حیوانی	شیطان صفت درنده خوی حیوان صفت	شهوت و غضب و وهم

بر اساس جدول حکمرانی عادلانه عاقلانه بر مقاومت، همان حکمرانی مقاومت، مطلوب اسلام است. بر همین اساس، برای درک بهتر حکمرانی مقاومت در قرآن کریم و تمایز آن از دیگر انواع حکمرانی، نیازمند پرداختن به متعلق، سطوح و ویژگی های این گونه از حکمرانی هستیم.

۵-۱. متعلق حکمرانی مقاومت اسلامی

درباره حکمرانی مقاومت، لازم است بدانیم که در قرآن کریم دو نوع متعلق برای مقاومت

بیان شده است. به بیانی، گاهی مستکبرین در برابر حق و گاهی موحدین در برابر باطل و طاغوت مقاومت می‌کنند. این نشان می‌دهد که مقاومت به خودی خود یک ارزش نیست، بلکه مهم است که چه کسانی برای چه چیزی و به چه منظور مقاومت می‌کنند. مقاومتی که طاغوت در برابر پیامبران داشتند، مقاومتی ناپسند است، در حالی که مقاومتی که پیامبران و پیروانشان در برابر طاغوت داشتند، امری ستوده است. وقتی وارد بحث مبانی می‌شویم، در حقیقت دو مبانی مهم مورد بررسی قرار می‌گیرند: یکی مبانی مقاومت توحیدی و دیگری مبانی مقاومت استکباری. توحید مبانی مقاومت توحیدی است در حالی که استکبار، مبانی مقاومت استکباری است. این مبانی ممکن است به نام‌های دیگری خوانده شوند، شاخص‌های ویژه‌ای داشته یا به متعلقاتی پیوند داشته باشند.

۵-۲. سطوح حکمرانی مقاومت اسلامی

حکمرانی مقاومت اسلامی دارای جنبه‌ها، سطوح و بخش‌های گوناگونی است. از نظر سطوح، این مقاومت از سطح فردی آغاز می‌شود و تا سطح خانواده، جامعه، دولت، کشور، منطقه، جهان اسلام، و سرانجام تا سطح جهانی ادامه می‌یابد. به بیان دیگر، مقاومت اسلامی در تمامی این سطوح مورد توجه قرار دارد.

در سطح فردی، مقاومت دارای جنبه‌های درونی و بیرونی است؛ زیرا فرد برای رسیدن به کمال به مقاومت نیاز دارد و مقاومت به خودی خود یک ابزار شمرده می‌شود. هدف از مقاومت در برابر استکبار، طاغوت یا هر مانع دیگری، از بین بردن بازدارنده‌هایی است که فرد را از رسیدن به کمال باز می‌دارند.

در سطح فردی، مقاومت در برابر موانع درونی به کمال بیشتر با هواپرستی در پیوند است و از راه جهاد اکبر تحقق می‌یابد، اما مقاومت در برابر بازدارنده‌های بیرونی بسته به سطح آن متفاوت است. در اینجا، فهم مقاومت به صورت نهادی بیشتر بیان می‌شود؛ به این معنا که فرد در چهارچوب خانواده، جامعه، دولت، منطقه و حتی در سطح بین‌المللی عمل می‌کند؛ برای نمونه، سه جهاد برجسته در این زمینه عبارت‌اند از: جهاد کبیر به معنای مبارزه فرهنگی یا

ماهیت حکمرانی مقاومت در قرآن کریم

مقاومت فرهنگی با محوریت قرآن کریم در برابر جبهه فرهنگی کفر، شرک و طاغوت، جهاد افضل به معنای مقاومت و مبارزه سیاسی در برابر جریان سیاسی کفر، شرک و طاغوت - که در روایات هم به آن اشاره شده است - و جهاد اصغر، یعنی مقاومت و مبارزه نظامی و انتظامی در برابر جریان نظامی کفر، شرک و طاغوت.

قواعد در پیوند با این سطوح هم به همین ترتیب تقسیم می‌شوند؛ برای مثال، قاعده نفی سلطه در تمامی این سطوح و مراحل - از سطح فردی تا سطح جهانی و بین‌المللی - توانایی اجرا دارد. پذیرش این نکات، نشان‌گر فراگیر بودن بحث مقاومت است و تمام پهنه‌های زندگی موحدین را دربرمی‌گیرد؛ به گونه‌ای که هیچ پهنه‌ای را نمی‌توان یافت که از مقاومت خالی باشد.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا وقتی می‌خواهیم مقاومت را پی‌ریزی و حکمرانی کنیم، باید از فرد آغاز کنیم و به سطح جهانی برویم، یا باید از سطح جهانی آغاز کرده و به فرد برسیم؟ یا اینکه الگوی دیگری وجود دارد؟ باید از فرد شروع کنیم، اما در این راه، باید به‌طور هم‌زمان جهان را نیز مدنظر داشته باشیم. به بیان دیگر، اگر کسی بیاید و بگوید من می‌خواهم در جریان مقاومت، تنها به مسائل ملی بپردازم و ناسیونالیستی نگاه کنم، به این معناست که او تنها می‌خواهد بداند دشمن این نقطه جغرافیایی کیست؛ برای مثال می‌گوید که من ایرانی هستم و باور دارم دشمن، تنها کسی است که با ایران دشمن است، اما اگر دشمنی با عراق وجود داشته باشد یا با فلسطین، یا با امت اسلامی یا مستضعفان عالم، چه باید کرد؟ اگر دشمنی با موحدان عالم وجود داشته باشد، چگونه باید واکنش نشان دهیم؟ اکنون فرض کنید که از ایران می‌ترسند و می‌گویند ما مخلص شما هستیم، شما به ما کار نداشته باشید و ما هم به شما کاری نداریم. این فرد می‌گوید: «ایران مال شماست و ما تمام تحریم‌ها را برمی‌داریم، اما شما هم دیگر به جهان اسلام و مستضعفان عالم و نظام سلطه کاری نداشته باشید» این نگرش ملی‌گرایی است، مشابه کسی که می‌گوید «نه غزه نه لبنان». قرآن چه می‌گوید؟ قرآن می‌فرماید این اشتباه است. مقاومت در اسلام و در نگاه توحیدی جهانی تعریف می‌شود؛ دین اسلام، دین جهانی است و رهبری اسلامی هم رهبری جهانی است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه: ۳۳).

ما با دو جریان روبه‌رو هستیم: جریانی که استکبار می‌ورزد و جریانی که با تفکر و تعقل به یقین می‌رسد و ایمان می‌آورد. این مقاومت با این شاخصه‌ها و مبانی، باید در ساحت جهانی پیش برود و بر پایه این مقیاس جهانی، تمام سطوح پایین‌تر را نیز سامان‌دهی کند. اگر این مقیاس جهانی را در ساحت حکمرانی مقاومت که به‌وسیله رهبری الهی ترسیم می‌شود پذیرفتیم، باید بپذیریم که رسالت اسلام، جهانی است، رهبری اسلام جهانی است و خود دین هم جهانی است. به این ترتیب، مقاومت باید در چهارچوبی جهانی تعریف شود.

بنابراین باید با این مقیاس، دولت‌سازی و تمدن‌سازی که آیت‌الله خامنه‌ای در مراحل پنج‌گانه بیان کردند، تحقق یابد. نظام تقنینی، فقهی، حقوقی و قانونی ما هم باید این نگاه را داشته باشد. به بیان دیگر، راهبردی که در اینجا در حکمرانی مقاومت پیشنهاد می‌دهیم، راهبرد جهانی‌نگری است. ما بی‌گمان باید در کنار سطوح خرد و متوسط، این نگاه جهانی را هم داشته باشیم. پیامبر صلی الله علیه و آله این نگاه جهانی را داشت و در دولت ده‌ساله خود این نگرش را مدنظر قرار می‌داد.

اگر این نگاه جهانی را پی‌گیری نکنیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ امروزه، به‌واسطه جهانی‌شدن و از دست رفتن استقلال کشورها و مناطق، اگر نگاه جهانی نداشته باشیم، بزرگ‌ترین خطر این است که نفوذ و اشغال‌گری دشمن را در بسیاری از سطوح نبینیم و حتی به پیشواز دشمن برویم، مانند آنچه که در ساحت پلتفرم‌ها اتفاق افتاده است؛ یعنی سکوها و پلتفرم‌هایی که جوامع اسلامی را در بر گرفته‌اند و تمام حکمرانی و زمام اینها در دست دشمن است؛ هر زمان که اراده کند، می‌تواند آن را به آشکار کرده و اجرا کند.

۳-۵. حکمرانی مقاومت اسلامی، امری ذاتی یا عرضی

چشم‌داشتی که از یک مؤمن و موحد، چه در سطح فردی، چه در سطح خانوادگی، چه در سطح ملی، منطقه‌ای و چه در سطح جهانی از مقاومت در برابر طاغوت‌ها وجود دارد، این پرسش را پیش می‌آورد که آیا این مقاومت عرضی است یا ذاتی؟ اگر این مقاومت تنها عرضی باشد، ممکن است گفته شود که ما به یک هفته یا ده سال مقاومت نیاز داریم و پس از آن، این

ماهیت حکمرانی مقاومت در قرآن کریم

نیاز به پایان می‌رسد، اما در اندیشه اسلامی، مقاومت مفهومی است که هرگز تمام‌شدنی نیست؛ چراکه تا زمانی که این عالم مُلک وجود دارد، انسان وجود دارد و تا زمانی که تزاخمت عالم مادی ادامه دارد، مقاومت هم جزوی از وجود انسانی ما خواهد بود. زمانی که ما ایمان می‌آوریم، این ایمان به‌طور ذاتی با آفرینش ما در فطرت ما پیوند خورده است. خداوند بلندمرتبه به ما آگاهی‌هایی داده و به ما گفته است که شیطان، دشمن شماست. فطرت ما به‌گونه‌ای است که در روز الست گفته شده است: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ» (اعراف: ۱۷۲) و ما این حقیقت را با فطرت خود پذیرفته و شهادت داده‌ایم؛ بنابراین ویژگی انسان این است که مختار است و انسان مختار می‌تواند ظلوم و جهول یا عاقل و عادل باشد. در سر دو راهی‌ها، او باید تصمیم بگیرد که کدام سو را انتخاب کند.

اگر انسان خواست به سمتی برود که خداوند تعیین کرده است، یعنی باید راه عقل و عدل را انتخاب کند، اما اگر به سمتی برود که هوای نفسش او را می‌کشاند، یا با طاغوت‌هایی که در بیرون وجود دارند روبه‌رو شود، در این صورت است که او راه شیطان را برمی‌گزیند. هریک از این راه‌ها برای خود، مقاومت ویژه‌ای دارند. مقاومت توحیدی، که به‌عنوان مقاومت اصلی شناخته می‌شود، جهاد نامیده می‌شود و کار سختی است، اما حرکت در راه هوای نفس برای انسان، همواره سخت به‌نظر نمی‌رسد. فردی که در راه شیطان قرار گرفته است، چون سازگار با میل این عالم حرکت می‌کند، در عمل مقاومتی عرضی به خرج می‌دهد و ذاتی نیست. برای او سختی‌ای وجود ندارد؛ زیرا راست و دروغ برایش تفاوتی ندارد و او تنها به هوای نفس خود پاسخ می‌دهد؛ از این‌رو ممکن است در این حالت بگوییم که او به مقاومت پرداخته است، اما آن مقاومت درحقیقت عرضی است. قرآن کریم در این جایگاه تصریح می‌کند که چنین رفتاری همیت، جاهلیت و عصبیت است و درواقع، نمی‌توان آن را مقاومت نامید.

۵-۴. حکمرانی مقاومت اسلامی، امری راهبردی یا تاکتیکی

درباره مقاومت‌هایی که بیان شد، آیا می‌توانیم ارزش‌گذاری دیگری هم داشته باشیم یا اینکه تنها بیان کنیم که مقاومت در جریان توحید ذاتی است، کافی است؟ پاسخ این پرسش،

منفی است. باوجوداینکه ما مقاومت را ذاتی و جوهری می‌دانیم، اما برخی از مقاومت‌ها ممکن است بی‌فایده، مضر یا نادرست باشند. این نکته دارای اهمیت است که چه نوع مقاومتی را انتخاب می‌کنیم؛ از این رو ما به این گونه از مقاومت، مقاومت راهبردی و مقاومت استراتژیک می‌گوییم؛ چراکه در فرایند مقاومت و حکمرانی، به راهبرد و راهبری نیاز داریم تا مقاومت راهبردی شکل بگیرد. اگر مقاومت مان راهبردی نباشد، ممکن است اقدام نادرستی را به جای اقدام درست انتخاب کنیم و در نتیجه، مقاومت نادرست را به جای مقاومت درست در نظر بگیریم. در واقع، حکمرانی مقاومت، به معنای راهبری مقاومت است.

این راهبری مقاومت به ما می‌آموزد که در هر شرایطی از چه نوع مقاومتی باید استفاده کنیم؛ برای نمونه، در قرآن کریم، زمانی که مسلمانان در مکه به وسیله مشرکان آزار و اذیت مشرکان می‌شدند، نزد پیامبر ﷺ رفتند و درخواست اجازه برای برخورد با مشرکان کردند. در اینجا آیه ۷۷ سوره نساء نازل می‌شود که «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ» به معنای «دست نگه دارید، اکنون زمان جنگیدن نیست». پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که کدام گونه مقاومت سخت‌تر است؟ جنگیدن آسان‌تر است یا نجنگیدن؟ در واقع، نجنگیدن بسیار سخت‌تر از جنگیدن است؛ چراکه آنها در معرض آزار مشرکان قرار داشتند و باید خود را کنترل می‌کردند که نجنگند؛ از این رو این کار بسیار دشوارتر است. وقتی مسلمانان به مدینه رسیدند، آیه ۳۹ سوره حج نازل شد «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا...»، به آنها اجازه جنگ داده شده است چراکه به آنها ظلم شده بود. پیشتر هم ظلم می‌شد، اما اکنون این ظلم به مرحله‌ای رسیده است که مسلمانان می‌توانند از خود دفاع کنند و باید از خود دفاع کنند. به این ترتیب، راهبری و حکمرانی مقاومت ملازم با رویکرد راهبردی به امر مقاومت است. یعنی مقاومت ما باید راهبردی باشد و این گونه از مقاومت به راهبری نیاز دارد.

۵-۵. دشمن شناسی، لازمه اصلی حکمرانی مقاومت اسلامی

در زمینه حکمرانی مقاومت اسلامی، نکته‌ای که به طور اساسی بیان می‌شود این است که نخست باید از اشغال دشمن جلوگیری کرد. در سطوح گوناگون، اگر کسی به اشغال دشمن

ماهیت حکمرانی مقاومت در قرآن کریم

درآمد، باید ابتدا به از بین بردن اشغال پردازد. اشغال به وسیله دشمن، گونه‌های مختلفی دارد؛ برای مثال، ممکن است سرزمین قلب و روح ما، به اشغال دشمن درآید که در این حالت، با اشغال معرفتی و دانشی روبه‌رو هستیم. اشغال اخلاقی هم می‌تواند در این بستر اتفاق بیفتد. قلبی که باید بیت‌الله باشد، تبدیل به بیت‌الشیطان و یا بیت‌الطاغوت می‌شود. اکنون بسیاری از کشورهای اسلامی از نظر معرفتی، اشغال شده‌اند طوری که در دانشگاه‌های آنها، علم‌های انسانی غربی و الحادی تدریس می‌شود؛ علم‌هایی که ظلم را تئوریزه می‌کنند، سلطه را توجیه می‌کنند و تسلیم در برابر طاغوت را به نام واقعیت تئوریزه می‌کنند. این گونه اشغال، یکی از سخت‌ترین اشغال‌ها شمرده می‌شود و فهم و احساس آن هم دشوار است. یعنی زمانی که شما به افراد می‌خواهید این موضوع را منتقل کنید، ممکن است فردی به‌طور فیزیکی و نظامی در برابر اشغال دشمن بایستد، اما هم‌زمان از نظر فکری، روحی و فرهنگی، وجودش به اشغال درآمده باشد که این مسئله به‌شدت خطرناک است.

اگر کسی سرزمین وجودش به اشغال معرفتی، علمی و انگیزشی به‌وسیله دشمن درآمده باشد، در صورتی که بخواهد قانونگذاری کند، قانون‌های توحیدی نمی‌تواند استنباط کند. چنین وضعیتی، حکمرانی تقنینی هم به خوبی عمل نخواهد کرد؛ بنابراین حکمرانی علمی، حکمرانی معرفتی، حکمرانی تهذیبی و حکمرانی تعلیم و تربیت باید به درستی انجام شود تا زیرساخت‌های حکمرانی مقاومت فراهم شود. وضعیت بدتری هم وجود دارد و آن این است که فردی با همین دانش و معرفتی که از دشمن آموخته است، بخواهد علیه دشمن اقدام کند.

قرآن به‌طور گسترده به بحث مقاومت پرداخته است. برخی از آیات دارای دلالت بسیار آشکاری هستند؛ برای نمونه، در آیه ۱ سوره احزاب خداوند به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ؛ ای پیامبر، ملازم تقوا باش و از کافران و منافقان اطاعت نکن». این نکته نخست به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشاره دارد و آگاهان به تقوای او یقین دارند اما در ادامه، با توجه به صیغه‌های جمع، متوجه می‌شویم که این تذکر مؤمنین را هم دربرمی‌گیرد. از این آیه می‌توان به مفهوم کافر و منافق پی برد. کافر به دشمنان خارج از شبکه اسلامی اشاره دارد، در حالی که منافق، دشمن درون جامعه اسلامی است. منافق کسی است که ادعای اسلام

دارد، اما در واقع به وسیله دشمن اشغال شده است. حرف‌هایی که از زبان او خارج می‌شود یا چیزهایی که می‌نویسد، همگی تحت تأثیر دشمنان است. در واقع، او به نوعی، نگهبان منابع دشمن شمرده می‌شود و از این رو خداوند دستور می‌دهد که از او پیروی نکنید. حال این پرسش مطرح می‌شود که این اطاعت در چه سطحی است؟ آیا این منع از پیروی، تنها در زمینه جنگ احزاب است، یا به طور کلی همه جنبه‌ها را دربر می‌گیرد؟ زمانی که می‌گوید: «از ابلیس اطاعت نکن»، به معنای آن است که در هیچ زمینه‌ای، چه از نظر معرفتی، چه از نظر تمدنی، چه سبک زندگی، و چه در زمینه دولت‌سازی و جامعه‌سازی، نباید از او پیروی کرد.

نتیجه

حکمرانی اسلامی و عرفی - تجربی، دو رویکرد متفاوت با تفاوت‌های اساسی در مبانی و اهداف هستند. حکمرانی اسلامی با بهره‌گیری از تجربه‌های بشری، هدف نهایی را سعادت آن دنیایی می‌داند در حالی که حکمرانی غیراسلامی بر منافع این دنیایی متمرکز است. در ادبیات رایج غربی، حکمرانی خوب با مؤلفه‌هایی چون مسئولیت‌پذیری و عدالت شناخته می‌شود. این نوشتار با بررسی حکمرانی مقاومت با رویکرد اسلامی، به دنبال ارائه تعریفی جامع در این زمینه است.

در حکمرانی‌های مضاف، پیش از هر چیز، لازم است نسبت بین متعلق حکمرانی و خود حکمرانی روشن شود. از یک نگاه، در تعریف حکمرانی‌های مضاف، چهارچوب پیشینی «راه‌کنش سه‌گانه حکمرانی» باید در نظر گرفته شود که نسبت حکمرانی و متعلقش را به سه حالت «در»، «بر» و «با» تقسیم می‌کند و جنبه‌های گسترده‌تری به این بحث می‌بخشد. این راه‌کنش در هر متعلق حکمرانی مطرح است و انتخاب هریک از این سه‌گانه، پیوند معنایی حکمرانی و متعلق آن را مشخص می‌کند. حکمرانی در مقاومت به معنای راهبری فرایندهای درونی مقاومت از مبدأ تا مقصد است و حکمرانی با مقاومت، راهبری فرایندها از مبدأ تا مقصد با روحیه مقاومت، استقامت و صبر است. در این نوشتار، مراد از حکمرانی مقاومت، حکمرانی بر مقاومت است که به راهبری راهبردی مقاومت منجر خواهد شد.

ماهیت حکمرانی مقاومت در قرآن کریم

بنابراین با فرض یادشده، تعریف مفهوم حکمرانی مقاومت اسلامی با استفاده از سازه حرکت جوهری در فلسفه اسلامی، عبارت است از: راهبرد پیشبرد امر مقاومت در برابر آسیب‌های درونی و تهدیدهای بیرونی به وسیله کنش‌گر یا کنش‌گران در تمامی سطوح، جنبه‌ها و بخش‌های گوناگون و در پیوند با دیگر ذی‌نفعان، ذی‌ربطان و اجزاء، هم در مرحله قیام و انقلاب و هم در مرحله دوم یعنی حفظ انقلاب و استمرار نظام اسلام، از مبدأ تا مقصد و بر اساس محرک‌ها در بستر زمان و مکان.

منابع

- * قرآن کریم.
- ** نهج البلاغه.
۱. ابن‌ابی‌جمهور، محمدبن‌زین‌الدین (۱۴۰۵ق). عوالی‌اللتالی‌العزیزیه‌فی‌الأحادیث‌الدینیة. تحقیق‌مجتبی‌عراقی. قم: دار‌سیدالشهداء‌للتشر.
 ۲. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم (۱۳۷۴ق). لسان‌العرب، بیروت: دارالفکر‌للتباعة‌و‌النشر‌و‌التوزیع‌دارصادر.
 ۳. امامی، سید‌مجتبی‌و‌مجتبی‌جوادی (۱۴۰۰). «واکاوی‌مفهوم‌حکمرانی‌در‌پرتو‌کلمه‌"اطاعت"‌در‌قرآن‌کریم». امنیت‌ملی. ش ۴۲. زمستان. ص ۴۳-۷۴.
 ۴. ایزدبخش، حمید‌و‌مجتبی‌جوادی (۱۳۹۹). «مدل‌حکمرانی‌در‌قرآن‌کریم؛‌بر‌اساس‌کلیدواژه‌تبعیت». تحقیقات‌بنیادین‌علوم‌انسانی. ش ۲۰. پاییز. ص ۲۷-۵۶.
 ۵. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۵). هدایت‌در‌قرآن. قم: انتشارات‌اسراء.
 ۶. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۴۰۳). تفسیر‌تسنیم. قم: انتشارات‌اسراء.
 ۷. طباطبایی، سید‌محمد‌حسین (۱۳۹۳). تفسیر‌المیزان. تهران: انتشارات‌دار‌الکتب‌الإسلامیه.
 ۸. طباطبایی، سید‌محمد‌حسین (۱۳۹۲). بدایة‌الحکمه. قم: جماعة‌المدرسین‌فی‌الحوزة‌العلمیه‌ب‌قم، مؤسسه‌النشر‌الإسلامی.
 ۹. طبرسی، ابو‌علی‌فضل‌بن‌طبرسی (۱۳۷۴). مجمع‌البیان‌فی‌تفسیر‌القرآن. قم: انتشارات‌مؤسسه‌الاعلمی‌للمطبوعات.
 ۱۰. لک‌زایی، نجف (۱۳۹۸). امنیت‌متعالیه. قم: دفتر‌تبلیغات‌اسلامی‌حوزه‌علمیه‌قم (معاونت‌پژوهشی، پژوهشگاه‌علوم‌و‌فرهنگ‌اسلامی).
 ۱۱. لک‌زایی، نجف‌و‌علی‌اکبری‌معلم‌و‌محسن‌حدادی (۱۴۰۳). «موضوع‌شناسی‌فقهی‌حکمرانی‌دینی». دین‌و‌قانون. ش ۴۳. بهار. ص ۵۱-۷۸.
 ۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). مجموعه‌آثار‌استاد‌شهید‌مطهری (عدل‌الهی). ج ۱. تهران: صدرا، ۱۳۹۵ش.
 ۱۳. موسوی‌خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه‌امام. تهران: مؤسسه‌تنظیم‌و‌نشر‌آثار‌امام‌خمینی‌علیه‌السلام.

ماهیت حکمرانی مقاومت در قرآن کریم

۱۴. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸). تفسیر سوره حمد. تهران: مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۵. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۱). شرح حدیث «جنود عقل و جهل». تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۶. ناظمی اردکانی، مهدی و صفرعلی خالدیان (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام». مطالعات سیاسی جهان اسلام، ش ۲۶. تابستان. ص ۵۹-۸۶.
17. Freeman, Jody (2000). *The private role in the public governance*. NewYork University Law Review. 7 (3). P543.
18. Friedman, Thomas (1998). *Good governance is the only real protection*. The New York Times, February.
19. Grindle, Merilee S (2004). “Good enough governance: poverty reduction and reform in developing countries”. *Governance*. 17 (4). pp.525-548.
20. <https://documents1.worldbank.org/curated/en/711471468765285964/pdf/multi0page.pdf>
21. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0305750X99001564>
22. <http://documents.worldbank.org/curated/en/711471468765285964/Governance-the-World-Banks-experience>.
23. <https://farsnews.ir/world/1558515315000945630>
24. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44267>
25. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=29724>
26. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47510>